

تحلیل و نقد کتاب

Ethics: A Pluralistic Approach to Moral theory^۱

مریم صانع‌پور*
امیر صادقی**

چکیده

در عصر ارتباط فرهنگ‌های متکثر با یکدیگر یکی از مسئولیت‌های فیلسوفان اخلاق، جلوگیری از نزاع‌های اخلاقی است تا فرهنگ‌های مختلف با به رسمیت شناختن یکدیگر، و با تکیه بر اشتراکات بشری، روابط اخلاقی و عدالت‌محورانه را در سراسر جهان نظریه‌پردازی کنند. در مراودات فرهنگی فراگیر از طریق فضای مجازی، تبعیض‌های نژادی، قومی، و جنسیتی امنیت جهانی را به خطر خواهد انداخت از این رو باید به نگرش‌های وحدت بخش اخلاقی اعم از دینی و غیردینی اندیشید که مداراگر، بردبار، و اهل تعامل با دیگران هستند. در این مقاله، کتاب *فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی اثر «لارنس ام. هینمان»* در سه بخش جداگانه، تبیین، تحلیل، و نقادی شده است. دیدگاه علمی و غیرجانبدارانه نویسنده، روش منطقی وی در پاسخ به مسائل مورد بحث، و نظام سوالاتی که در پایان هر فصل، اطلاعات خوانندگان را ارزیابی می‌کند از جمله مزایایی است که نگارنده مقاله، این کتاب را منبعی مناسب برای واحدهای دانشگاهی فلسفه اخلاق معرفی می‌کند و ترجمه این اثر را به فارسی پیشنهاد می‌نماید.

کلیدواژه‌ها: اخلاق تکثرگرا، جهانی‌سازی یادگیری، اوامر الهی، مدارا، عدالت، حق طبیعی.

* استادیار گروه تاریخ و تمدن غرب، پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (نویسنده مسئول) saneapour@ihcs.ac.ir
** دانشجوی دکتری فلسفه دین دانشگاه تهران و کارشناس پژوهشی گروه تاریخ و تمدن غرب، پژوهشکده غرب‌شناسی و علم‌پژوهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. amir.sadeqi@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱

۱. مقدمه

فلسفه اخلاق در عصر ارتباطات از الزامات و امکاناتی جدید برخوردار شده است که نویسنده کتاب *فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی*^۱، برخی از آن‌ها را مورد توجه قرار داده است. وی لارنس ام. هینمان استاد بازنشسته فلسفه از دانشگاه سن دیگو در کالیفرنیا است که اثر پر فروش دیگری نیز در زمینه اخلاق تألیف کرده است.^۲ هینمان متناسب با رشد علوم جدید و ابزارهای ارتباطی دیجیتال، در ده سال گذشته پژوهش‌هایی در زمینه فلسفه اخلاق یادگیری جهانی انجام داده است. وی اخلاق را در مرزهای علمی مانند پزشکی احیا کننده، عصب‌شناسی (خصوصاً در مورد فرآیندهای خاطره و شفقت) و نیز روبوتیک مورد بررسی و پژوهش قرار داده است. این فیلسوف اخلاق با حضور روزآمد در دنیای مجازی^۳ می‌کوشد ارزش‌های اخلاقی را متناسب با عصر ارتباطات بازسازی کند. وی همچنین به امکاناتی که فضای چند رسانه برای «جهانی‌سازی یادگیری» *global learning* ایجاد کرده، بسیار امیدوار است. از این رو کتاب *فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی* به عنوان کتاب درسی رشته‌ها و گرایش‌های اخلاق نظری و کاربردی در دانشگاه‌های ایران توصیه می‌شود. در این مقاله، ویرایش پنجم کتاب که ویرایشی بین‌المللی است و در سال ۲۰۱۳ توسط موسسه کلارک باکستر منتشر شده، مورد بررسی و نقد قرار می‌گیرد.

شایان ذکر است که هرچند متون فارسی از حیث توصیه‌های اخلاق عملی و کنش‌های اخلاقی از غنای چشمگیری برخوردار است اما نگرش‌های اخلاقی کمتر مورد توجه آن‌ها قرار گرفته‌اند. در سال‌های اخیر کتب فراوانی در زمینه فلسفه اخلاق از زبان‌های اروپایی به فارسی ترجمه شده و رشته فلسفه اخلاق غرب در معدودی از دانشگاه‌ها تأسیس شده است اما این امکانات اندک پاسخگوی نیازهای نظریه پردازانه جامعه علمی ایران نیست علاوه بر این که تلاش چندانی در جهت بومی‌سازی فلسفه اخلاق در ایران صورت نگرفته است. همچنین هر چند معدود کتبی با محوریت برخی ارزش‌های اخلاقی چون عدالت و نیز با تمرکز بر کثرت‌گرایی، در حوزه نشر ایران مشاهده می‌شوند^۴ اما کتابی که با محوریت فلسفه اخلاق، به ملزومات تکثرگرایانه عصر ارتباطات نظر داشته باشد به جز اثری از نگارنده مقاله^۵ دیده نمی‌شود.

فناوری‌های ارتباطی دیجیتال و هوش مصنوعی در فضای چند رسانه‌ای دنیای مجازی فرصتی استثنایی در اختیار پژوهشگران قرار داده تا کمبودها و کم‌کاری‌های علمی - پژوهشی را تا حدودی جبران کنند؛ عدالت توزیعی اطلاعات توسط فناوری‌های

ارتباطی کنونی امکان بی نظیری را در اختیار حاشیه ای شدگان علمی - فرهنگی قرار داده است تا در متن یافته های علمی قرار گیرند و جوامعشان را به سمت رشد و پیشرفت مطلوب سوق دهند و شایسته است تا جامعه علمی - پژوهشی ایران نیز از این فرصت استثنایی بهره گیرد. لازمه این امر آشنایی با یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی است تا دریچه های جدیدی بر روی دانشجویان و پژوهشگران اخلاق گشوده شود تا با حفظ هویت بومی بتوان گفتگویی جهانی در باب نظریه های مختلف اخلاقی برقرار کرد و در نتیجه در مورد اصولی اخلاقی در روابط جهانی توافق نمود. این مقاله در مرحله اول به بررسی صوری کتاب و امتیازات و کاستی های آن می پردازد و در مرحله دوم پس از تبیین و تحلیل محتوای کتاب، آن را مورد ارزیابی و نقادی قرار می دهد.

۲. نقد صوری اثر

این اثر در قطع وزیری منتشر شده است. حروف نگاری و چاپ کتاب فلسفه / اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی، از کیفیت بسیار خوبی برخوردار است. صحافی کتاب نیز مناسب است. طرح روی جلد کتاب که تنوع لایه های مختلف زمین را از نظر جنس، رنگ و میزان حاصلخیزی نشان می دهد، نماد مناسبی برای تنوع رویکردهای اخلاقی در میان جوامع مختلف بشری است. قلم نویسنده رسا و روان است و مطالب کتاب دارای انسجام و اتقانی منطقی هستند. کتاب دارای یک فهرست اجمالی و یک فهرست تفصیلی است که موجب احاطه خواننده بر فضای گفتمانی کتاب می شود. فهرست کتاب مشتمل بر ۱۲ بخش است که هر یک فصول متعددی را به خود اختصاص داده اند. در پایان هر بخش مجموعه ای از سوالات طرح شده که خواننده می تواند به وسیله آن ها میزان یادگیری و درک مطلب خود را ارزیابی کند. همچنین در انتهای هر بخش کتابشناسی آن بخش درج شده است که به دسته بندی مناسب و مستندی از مطالب هر بخش کمک می کند. فرهنگ اصطلاحات در پایان کتاب درج شده که توضیحات مفصلی برای هر یک از اصطلاحات ذکر کرده است.

این اثر اخلاقی نهایتاً با نمایه کردن اسامی و اصطلاحات پایان می پذیرد. با توصیف و تحلیلی که از شکل ظاهری کتاب فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی ارائه شد به نظر می رسد این اثر همه مولفه های یک کتاب خوب

دانشگاهی را برای رشته ای فلسفه اخلاق و اخلاق کاربردی دارد، و کاستی و نقصی در این مورد مشاهده نمی شود. از این رو ترجمه کتاب با حفظ همین صورت بندی پیشنهاد می شود.

۳. تبیین محتوای اثر

هیمنان معتقد است شکل‌گیری دنیای مجازی، تکثرگرایی اخلاقی را بیش از گذشته موضوعیت بخشیده است این کتاب از ۱۲ بخش تشکیل شده که عبارتند از: ۱-۳. نقطه‌نظر اخلاقی (The moral point of view): در بخش اول نقش اخلاق در ارزشگذاری رفتار غربی‌ها و غیر غربی‌ها بررسی شده؛ از زبان اخلاقی سخن گفته شده؛ به انقیاد جهانی، نسبت به ارزش‌های اخلاقی پرداخته شده؛ و سپس از نقش اخلاق در حوزه خصوصی و عمومی سخن گفته شده است.

۲-۳. درک تنوع اعتقادات اخلاقی: نسبی‌گرایی، مطلق‌گرایی، و تکثرگرایی^۷: در بخش دوم به نزاع‌های اخلاقی اشاره شده، و از اصولی که مانع این نزاع‌ها می‌شود سخن گفته شده مانند: فهم، مدارا، مقابله جهانی با شرور، و جایز الخطا بودن همه انسان‌ها.

۳-۳. اخلاق اوامر الهی: اخلاق‌های دینی (The Ethics of Divine Commands: Religious Moralities): در بخش سوم تنوع اخلاق‌های دینی مورد بررسی قرار گرفته؛ و سه سنت اخلاقی مختلف که ادعای جهانی بودن دارند تحلیل شده اند این سه سنت عبارتند از (۱) ناواجو دین اسطوره ای سرخپوستان امریکای شمالی؛ (۲) اسلام آخرین دین ابراهیمی؛ (۳) بودیسم به عنوان یک دین شرقی.

هیمنان در این قسمت به ارتباط میان عقل و اخلاق در دین می‌پردازد؛ نقادی‌هایی را که به نظریه‌های اوامر الهی وارد شده بررسی می‌کند؛ نقش دین را در حیات اخلاقی می‌کاود؛ دو دیدگاه متقابل نیاز دین به اخلاق، و ضرر دینداری برای حیات اخلاقی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ و سرانجام از تنوع نگرش‌های اخلاقی و ضرورت گفتگوی اخلاقی در حیات دینی سخن می‌گوید.

۴-۳. اخلاق خودخواهانه: خویش‌نگرایی (The Ethics of Selfishness: Egoism): در بخش چهارم نویسنده به خویش‌نگرایی روانشناسانه می‌پردازد؛ ضرورت‌گرایی و آزادی اخلاقی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ از واقعیت و آرمان اخلاقی سخن می‌گوید؛ خویش‌نگرایی اخلاقی را نقادی می‌کند؛ جایگاه حقیقت را در خویش‌نگرایی اخلاقی جستجو می‌نماید؛ به آزادی فردی می‌پردازد؛ و سرانجام اخلاق را در ورای دو

نظریه متقابل «خویشتن گرایی» و «نوع دوستی» بررسی می کند. ۳-۵. اخلاق نتیجه‌ها: سودگرایی (The Ethics of Consequences: Utilitarianism): در بخش پنجم نظریه «پیتر سینگر» Peter Singer بررسی می شود؛ به «سودمندی حداکثری» پرداخته می شود؛ نظریه های «لذت بتنام» و «شادی استوارت میل» بحث می شود؛ سپس تقابل لذت فردی با شادی حداکثری مورد مذاقه قرار می گیرد؛ از تعارض حیات اخلاقی با رنج افراد حاشیه ای شده و حیوانات سخن گفته می شود؛ و در نهایت محدوده های مسئولیت پذیری شخصی بحث می شود.

۳-۵. اخلاق وظیفه: ایمانوئل کانت (The Ethics of Duty: Immanuel Kant): در بخش ششم به نقش وظیفه در نظریه ادموند جی. راس پرداخته می شود؛ نقادی های اخلاق وظیفه گرا مورد بررسی قرار می گیرد؛ قابلیت تعمیم جهانی و الزام آوری این نظریه مورد بررسی قرار می گیرد؛ انسان غایتی کانت در وظیفه گرایی اخلاقی بررسی می شود.

۳-۶. فلسفه اخلاق حقوق: نظریه های معاصر (The Ethics of Rights: Contemporary Theories): در بخش هفتم حقوق، وظایف، و مسئولیت پذیری ها بحث شده؛ طبقه بندی های قدرت مورد بررسی قرار گرفته؛ مبادی الهی اخلاق، حق طبیعی و طبیعت انسانی مورد بحث قرار گرفته؛ از حقوق اخلاقی انسان و وظایف اخلاقی کانت سخن به میان آمده؛ رویکردهای تکثرگرا به حقوق بررسی شده؛ حقوق، ارتباط و فردگرایی بحث شده؛ و سرانجام به نقش حقوق در زندگی اخلاقی پرداخته شده است.

۳-۷. عدالت: از افلاطون تا راولز (Justice: From Plato to Rawls): در بخش هشتم نظریه قراردادی عدالت یعنی کمک به دوستان به بهای ضرر رساندن به حیوانات بحث شده؛ عدالت توزیعی راولز مورد بررسی قرار گرفته؛ عدالت توزیعی در نظریه های غیر راولزی مانند رابطه عدالت و سیاست، تفاوت در نظریه «ماریون یونگ» (Marion Young) و نیز رابطه عدالت با استعدادها در نظریه «سن» Amartya Sen و «نوسباوم» Nussbaum بحث شده؛ عدالت جزایی مورد بررسی قرار گرفته؛ عدالت جهانی global justice مانند عدالت در جنگ و صلح بررسی شده؛ و سرانجام مسائل و نظریه جهانی شدن مورد بررسی قرار گرفته است.

۳-۸. اخلاق منش: ارسطو و معاصران ما (The Ethics of Character: Aristotle and Our Contemporaries): در بخش نهم از اخلاق کنش تا اخلاق منش مورد بررسی قرار گرفته؛ منش و رشد انسانی واکاوی شده؛ ساختارهای فضیلت و شجاعت به عنوان یک

فضیلت اخلاقی بررسی شده؛ رابطه شجاعت و جنسیت بحث شده؛ ارتباط مسئولیت پذیری آدمی با رنج دیگران مورد بحث قرار گرفته؛ رابطه خویشتن دوستی و صیانت ذات با سنت های اخلاقی ملاحظه شده؛ و سرانجام عقل عملی، تکثرگرایی اخلاقی، و زندگی خوب تحلیل شده است.

۳-۹. اخلاق تنوع: جنسیت فرهنگی (The Ethics of Diversity: Gender): در بخش دهم به صداهای زنانه پرداخته شده؛ تاریخ نظریه اخلاقی از این منظر بازاندیشی شده؛ استقلال مردمحورانه در نظریه قرارداد اجتماعی بررسی شده؛ غیبت جسم از نظریه های اخلاقی بحث شده؛ مفاهیم جدید اخلاقی مانند اخلاق مراقبت «گیلیگان» Gilligan در پیش زمینه «کلبرگ» Kohlberg مطرح شده؛ صداهای متنوع یکپارچه بررسی شده؛ رابطه مراقبت با سودگرایی عملی بحث شده؛ نظریه اخلاق فمینیستی و تمایز میان حوزه عمومی و خصوصی مورد تحلیل قرار گرفته؛ رابطه اخلاق با مسائل خانواده بررسی شده؛ خشونت و محرومیت بررسی شده؛ و سرانجام از یک جهان با زمینه های متنوع اخلاقی سخن رفته است.

۳-۱۱. اخلاق تنوع: نژاد، قومیت، و چند فرهنگ گرایی (The Ethics of Diversity: Race, Ethnicity, and Multiculturalism): در بخش یازدهم تکثرگرایی فرهنگی و جهان وطنی بررسی شده؛ نظریه های تغییر اخلاقی «آمارتیا سن» و «آپیا» Appiah و اکاوی شده؛ برهان هویت، نژاد، قومیت، و فرهنگ بررسی شده؛ اختلافات نژادی و اشتراکات طبیعت انسانی بررسی تحلیل شده؛ حقوق اقلیت ها و آزادی خواهی در نظریه «کیملیکا» Kymlicka، حقوق مردم بومی، حقوق مهاجران، حقوق زنان مورد بررسی قرار گرفته؛ و سرانجام زندگی همراه با تنوع و تکثرگرایی اخلاقی، و نسبت این تکثرات با فضیلت اخلاقی مورد کنگاش قرار گرفته است.

۳-۱۲. نتیجه گیری: کاربردی سازی نظریه های اخلاقی: سقط جنین، اعدام، و مرگ داوطلبانه. (Conclusion: Applying Ethical Theories: Abortion, Capital Punishment, and Euthanasia)

شایان ذکر است که در پایان هر بخش نویسنده کتاب با طرح سوالاتی، میزان یادگیری دانشجویان را ارزیابی می کند. این کتاب به لحاظ صوری و محتوایی برای آموزش دانشجویان فلسفه اخلاق و اخلاق کاربردی بسیار مناسب است و اطلاعات روزآمد، عمیق و وسیعی را در اختیار دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا قرار می دهد از این رو پیشنهاد می شود این اثر ترجمه گردد تا به عنوان کتاب درسی در دانشگاه های کشور تدریس شود.

۴. تحلیل محتوای اثر

نویسنده در این کتاب می‌کوشد تا در عین پذیرش اختلافات فرهنگی و تنوع نظریه‌های اخلاقی در جوامع مختلف جهان، از نزاع‌های اخلاقی جلوگیری کند. وی می‌نویسد توجه به حق طبیعی انسان (که بر طبیعت مشترک میان انسان‌ها مبتنی است) از تنازع میان انسان‌ها جلوگیری می‌کند. زیرا همه انسان‌ها:

وجودی زنده و پویا دارند؛

توانایی فکر کردن و خردورزی دارند؛

دارای استقلال، برای انتخاب آزاد هستند؛

قدرت طراحی و برنامه‌ریزی دارند. (Hinman, 2013: 191-196)

هرچند وظیفه‌گرایان، سودگرایان و قراردادگرایان درباره حقوق طبیعی انسان با یکدیگر اختلاف نظرهایی دارند اما همگی معتقدند حقوق طبیعی، نقش مهمی در حیات اخلاقی بازی می‌کند و باید به عنوان یک حداقل اخلاقی در تعاملات اجتماعی ملاحظه شود تا میان سنت‌های متنوع اخلاقی و فرهنگی، نزاعی درنگیرد.

۴-۱. توجیه حقوق طبیعی (The Justification of Natural Rights)

فیلسوفان اخلاق امریکایی عقیده دارند هرگز نباید حق آزادی همه افراد انسان را (که از نظریه حق طبیعی انسان اخذ شده است) نادیده گرفت. از جمله حقوق طبیعی دیگر در لیبرالیسم امریکایی حق زندگی و حق مالکیت است از این رو:

دولت‌ها نباید حق زندگی را از مجرمان سلب کنند؛

سقط جنین در هر صورتی ممنوع است؛

کسی نمی‌تواند حق حیات را از انسانی سلب کند؛

حقوق حیوانات محترم است و کسی حق کشتن حیوانات را ندارد.

هینمان می‌نویسد در لیبرالیسم امریکایی، حق مالکیت نیز مانند حق آزادی و برابری از جمله حقوق طبیعی شهروندان است. درباره حق مالکیت نیز چون اصل آزادی اشتغال، برخی فرهنگ‌ها از جمله فرهنگ لیبرالیسم امریکایی به جانب افراط رفته‌اند و اموری ضد اخلاقی را نیز مانند سقط جنین و خودفروشی مصداق حق مالکیت بدن تلقی کرده‌اند. (see *ibid*: 201-203) همچنین حق برابری افراد که مبنای نظریه عدالت اجتماعی است شأنی عام و فرافرهنگی دارد.

در نیمه دوم قرن بیستم حق رفاه انسان، آزادی مطبوعات، حق آموزش، حق اشتغال و

حق توسعه حقوق شهروندی از حقوق طبیعی مشترک معرفی شد؛ هرچند وظیفه‌گرایان، سودگرایان، و قراردادگرایان درباره حق طبیعی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. علاوه بر حق طبیعی رفاه مادی، برای همه انسان‌ها، وظیفه‌گرایی اخلاقی، غایت‌بودن انسان را مورد توجه قرار داد و در همین راستا نظریه‌های اخلاقی تعالی‌گرایانه مانند نظریه عدالت تدوین شد. (ibid:211-213)

۴-۲. نظریه عدالت

۴-۲-۱. عدالت در نظریه افلاطون

در کتاب جمهوری، عدالت شامل اعتدال فردی و عدالت اجتماعی تعریف شده که دولت مسئولیت برقراری عدالت میان شهروندان را به عهده دارد. در این دیدگاه بدون افراد معتدل، تحقق یک جامعه عادلانه ممکن نیست. براساس نظریه افلاطون برقراری عدالت اجتماعی گاهی مستلزم تقدم خیر جامعه بر خیر فرد است و به همین علت برخی نظریه پردازان، آزادی‌های فردی را محدود می‌کنند.

۴-۲-۲. عدالت توزیعی (Distribution Justice) جان راولز

راولز عدالت را یک مفهوم اجتناب‌ناپذیر سیاسی - اجتماعی معرفی کرده است. طبق نظر «توماس نگل» Thomas Nagel راولز بی‌عدالتی در جنگ را نیز تقبیح می‌کرد. در جامعه آرمانی او قرار گرفتن در نژاد یا طبقه برتر، شانس برای فرد محسوب نمی‌شود. اما باید پرسید اگر قرار باشد عدالت توزیعی راولز جهانی شود چگونه می‌توان اصول عدالت اقتصادی بین‌الملل را تدبیر کرد تا موقعیت‌های اقتصادی نابرابر به تبعیض میان افراد نیانجامد؟ زیرا دولت خاصی در جهان حاکمیت ندارد تا مانع سوءاستفاده‌های اقتصادی شود. سوال دیگر این که چگونه قاعده اخلاقی به همه وجودهای عقلانی تسری می‌یابد و عدالت همگانی می‌شود. جان راولز در این زمینه نظریه بی‌طرفی فاعل اخلاقی را مطرح کرده است. (seeHinman:224-233)

۴-۲-۳. جنگ‌های عدالت‌خواهانه (The Just War Tradition)

همواره بشر شاهد تبعیض‌های نژادی و کشتارهای دسته‌جمعی در شرایطی نابرابر بوده است. در این صورت آیا می‌توان برای حفظ شهروندان بیگناه اقدام به مداخله‌های غیر

نظامی کرد؟ آیا مداخله در امور دیگران (مانند حضور جنگی امریکا در عراق) اقدامی بشردوستانه است؟

امروزه با شکل‌گیری شبکه‌های ارتباطات و اطلاعات در فضای سایبری، بیش از گذشته، فرهنگ‌ها به یکدیگر وابسته شده‌اند و از این رو راه‌حل‌های عادلانه‌تر قرن بیست و یک در سطحی جهانی ارزیابی می‌شوند. برای مثال، اصل اخلاقی عدالت، دارای ارزشی فراجغرافیایی است که عمومیت بخشیدن به آن در ارتباطات فراگیر دنیای مجازی بسیاری از معضلات جهانی را مانند قحطی، محرومیت از آموزش، محرومیت از بهداشت، محرومیت از اشتغال، محرومیت از مسکن، آلودگی هوا، آلودگی آب، و... حل خواهد کرد. (see ibid:233-241)

۴-۲-۴. عدالت و استثمار اقتصادی

یکی از مصادیق بی‌عدالتی در دوره مدرن، استثمار اقتصادی برخی ملت‌ها توسط قدرت‌های غربی با عنوان شرکت‌های بین‌المللی است بنابراین آیا فقط سخن گفتن از عدالت اقتصادی کافی است؛ چنانکه هیتلر مدعی برقراری عدالت جهانی شده بود. معضل دیگر جهانی‌شدن عدالت توزیعی، در دوره ارتباطات سایبری این است که در سطح جهانی، هیچ اقتدار دولتی وجود ندارد تا امکانات اقتصادی را به نحوی عادلانه توزیع کند.

۴-۲-۵. نظریه عدالت یونگ

«ماریون یونگ» می‌پرسد آیا می‌توان برای اجرای عدالت، تبعیض مثبت را پیشنهاد داد یعنی به جبران ظلمی که به محرومان شده حقوق ویژه‌ای را برای آنها در نظر گرفت؟ به هر حال امروز در عصر ارتباطات جهانی فقط عدالت ملی مطرح نیست بلکه باید به یک مفهوم جهانی از عدالت اندیشید که مرزهای ملی، منطقه‌ای و فرهنگی را در می‌نوردد.

۴-۳. فلسفه اخلاق تنوع (The Ethics of Diversity)

امروزه مجالی فراهم شده تا نگرش‌های اخلاقی همه جوامع بشری، در دنیای مجازی عرضه شود از جمله «اخلاق مراقبت» که دارای خصوصیتی مادرانه است و موجب مسالمت میان مردم جهان می‌شود. «کارولین ویتبک» Caroline Whitbeck معتقد است

روابط اخلاقی اولین جوامع بشری، از رابطه مادر و فرزند نشئت گرفته بود اما به علت غایب بودن زنان نظریه پرداز از منظومه نگرش‌های اخلاقی، اخلاق مراقبت مغفول مانده است در حالی که گسترش جهانی این نگرش اخلاقی به مخاصمه تاریخی جوامع پایان خواهد داد.

امروزه گسترش فضای مجازی موجب شده نظام‌های اخلاقی مختلف آسیایی و آفریقایی و نیز اخلاق دینی ابراهیمی و اسطوره‌ای، مورد توجه قرار گیرند. این تفاوت نگرش‌های اخلاقی انسان‌ها را وامی دارد تا از تفاوت‌هایشان به همان اندازه درس بگیرند که از شباهت‌هایشان می‌آموزند. به بیانی دیگر امروزه «اصالت گفت‌وگوی اخلاقی» جایگزین «اصالت نظریه اخلاقی» شده است. این امر علاوه بر ضروری ساختن مطالعه فرهنگ‌های متکثر جهانی، مستلزم برخی ویژگی‌های اخلاقی مانند بردباری متقابل فرهنگ‌ها نیز هست اما باید توجه داشت با وجود تکثرات فرهنگی - اخلاقی، برخی اصول مشترک مانند ضرورت عدالت، در تمامی فرهنگ‌ها وجود دارد. نظریه فضیلت نیز اصلی محوری است؛ یعنی فردی که دارای حکمت عملی است می‌داند که چگونه و چه وقت می‌تواند از دیدگاه‌های مختلف اخلاقی استفاده کند تا فضیلت اخلاقی در گفتمانی عدالت محور تحقق یابد. به هر حال «همه فرهنگ‌ها شایسته فهمیدن، به رسمیت شناختن و احترام گذاردن هستند» (see ibid:310-312) در عین حال باید نگرش‌های ضد فرهنگی و ضد اخلاقی مانند خشونت‌گرایی، همجنس‌گرایی، شیطان‌پرستی، تجاوزگری، سوءاستفاده جنسی از زنان و کودکان، و خودفروشی از مقولات اخلاقی - فرهنگی خارج شوند تا اخلاق تنوع به طرفداری از ضدهنجارهای اخلاقی متهم نگردد.

تکثرگرایان اخلاقی، قضاوت‌های اخلاقی فرهنگ‌های متنوع را می‌پذیرند، عملکردهای مختلف اخلاقی را ارزیابی می‌کنند و در صورت موفقیت، در جامعه خود پیاده می‌کنند. (ibid) تکثرگرایان اخلاقی مانند «جهان وطن‌گرایان» به دنبال زمینه‌های مشترک گفت‌وگو با فرهنگ‌های مختلف هستند و معتقدند وجوه اشتراک ارزش‌های اخلاقی در میان فرهنگ‌های مختلف، بسیار بیشتر از وجوه اختلافات است. (Appiah,2006:57) در موارد اختلافی نیز می‌توان از تنوع ارزش‌های اخلاقی فرهنگ‌های مختلف بهره گرفت و فرهنگ خود را بارورتر کرد تا به غنای اخلاقی و فرهنگی جامعه جهانی افزوده شود و این فرصتی است که عصر ارتباطات دیجیتال در اختیار انسان گذارده است. (see Hinman:310-312)

۴-۴. اخلاق و تکثر دینی

هینمان می نویسد ادیان همواره بزرگ‌ترین حامیان تفکر و عملکرد اخلاقی بوده‌اند. برای مثال، اصل عدالت از اصول مهم اخلاقی است که ادیان الهی در صدد اقامه و گسترش آن بوده‌اند و فرهنگ‌های غیر دینی نیز با عدالت فردی و اجتماعی موافق بوده‌اند. امروزه با عرضه ادیان مختلف در گستره دنیای مجازی این سوال مطرح می‌شود که آیا توافق ادیان درباره برخی از فضایل اخلاقی ممکن است؟ در پاسخ می‌توان گفت ضرورت برقراری صلح میان پیروان ادیان در عصر ارتباطات، بشر را به سمت وجوه اشتراک میان ادیان سوق داده است.

هینمان در مورد نسبت دین و اخلاق به نقش عقل می‌پردازد و به سه دیدگاه رایج در میان دینداران اشاره می‌کند:

- ۱) در نزاع میان دین و عقل، عقل باید از دین تبعیت کند. (حاکمیت دین)
- ۲) در نزاع میان دین و عقل، دین باید از عقل تبعیت کند. (حاکمیت عقل)
- ۳) طبق دیدگاه اسلامی شیعیان، اصولاً عقل و دین با یکدیگر نزاعی ندارند، یعنی «کَلِمَا حَکَمَ بِهَ الْعَقْلُ حَکَمَ بِهَ الشَّرْعِ وَ کَلِمَا حَکَمَ بِهَ الشَّرْعِ حَکَمَ بِهَ الْعَقْلُ» (هماهنگی دین با عقل و اخلاق)

طبق نظریه اخلاقی اوامر الهی، مبنای عمل اخلاقی «خیر» عقلی است؛ که دو نظریه را طرح می‌کند:

اول) چون خدا نیکی را دوست دارد پس نیکی کردن عقلاً خوب است.

دوم) چون نیکی کردن عقلاً خوب است پس خدا آن را دوست دارد

که این دو نظریه محل اختلاف فیلسوفان اخلاقی دیندار است.

نظریه‌های اخلاقی «اوامر الهی» می‌تواند:

- از طریق غلبه احکام شرعی بر عمل اخلاقی محقق شود که [این نظریه به نزاع اخلاقی میان دینداران و بی‌دینان و حتی دینداران ابراهیمی با یکدیگر، منجر خواهد شد].

- از طریق استقلال نظریه‌های اخلاقی از دین محقق شود چنانکه خداپرستان معتقد به استقلال نظریه‌های اخلاقی می‌گویند خدا بر خود واجب کرده آنچه را به لحاظ اخلاقی درست است انجام دهد (see Hinman: 75-89) [که زمینه مشترک گفت‌وگوی اخلاقی را در عصر ارتباطات فراهم می‌کند تا میان نگرش‌های دینی و غیردینی را حول محور فضایل مشترک اخلاقی جمع کند].

۴-۵. اخلاق در ادیانی با پیام های جهانی

هینمان با توجه به نظریهٔ تکثرگرایانه اخلاقی اش در زمینه اوامر الهی، سه رویکرد دینی را با پیام‌های جهانی معرفی می‌کند:

اول) دردین غیرالهی ناواجو خدایان و ارواح متکثر هستند و هیچ وجه مشترکی میان آنها نیست. براساس تعالیم این دین اسطوره ای اصولاً وحدت میان خدایان و وحدت میان انسان‌ها با خدایان لزومی ندارد.

دوم) دردین غیرالهی بودایی راه رسیدن به نیروانا، راهی است که تمایزات را از میان برمی‌دارد و به این منظور مدلی ارائه می‌شود که آگاهی را در ورای عقلانیت قرار داده است.

سوم) دین ابراهیمی اسلام که نگرشی توحیدی دارد (seeibid:46-59) اما وحدت گرایی اسلام مغایرتی با تکثرات جهانی ندارد، زیرا همهٔ تکثرات از خدای واحد آغاز شده‌اند و در خدای واحد پایان می‌یابند.

هینمان با مقایسه میان این سه دین جهانی می‌نویسد در پیام جهانی «ناواجو» خدایان متکثر که علت تکثرات جهانی هستند گاهی با یکدیگر به نزاع می‌پردازند، درحالی‌که در مدل موحدانه اسلامی امکان چنین نزاعی وجود ندارد، زیرا خداوند همواره در باطن انسان با او سخن می‌گوید و او را به زندگی اخلاقی فرا می‌خواند.

در مدل «بدون خدای» بودایی، اوامر اخلاقی با نیروی حیاتی «کارما» در وجود انسان نهادینه شده و از این رو به وجود خداوند نیازی نیست.

هینمان می‌نویسد برخلاف تفکر دوآلیستی اروپای مدرن، در ناواجو تقابل میان طرفین مطرح نیست بلکه مانند ادیان چینی، هر یک از طرفین به طرف دیگر نیازمند است و بدون آن کامل نمی‌شود. در این دیدگاه هیچ‌یک از طرفین خیر و شر نباید مانع طرف دیگر شود، زیرا هر کدام به دیگری نیازمند است.

ناواجو برخلاف مدرنیته که می‌کوشد به وسیله تکنولوژی، طبیعت را تسخیر کند، با طبیعت هماهنگ است. در دیدگاه ناواجو محاسبهٔ نهایی اعمال وجود ندارد تا فاعل شر مجازات شود و فاعل خیر پاداش بگیرد، زیرا عمل نیک هر شخص برآمده از تفکر نیک او است. قواعد عمل اخلاقی ناواجو عبارتند از: درباره مطلقها بسیار محتاط باش؛ از افراط اجتناب کن؛ در هر موقعیتی سعی کن خود را ندیده بگیری؛ بگریز، رهایی بجو. اخلاق ناواجو هماهنگ‌کنندهٔ شخص با کثرات و تضادهای عالم است و عدم هماهنگی با تضادها را ظلم تلقی می‌کند. (seeibid:60-61)

در آیین جهانی بودا زندگی سراسر رنج است؛ بنابراین انسان باید تمایلاتش را کاهش دهد، مشکلات را بپذیرد، و به جای تقویت یک نفس مهذب (که دستورالعمل ادیان الهی است) نفس فردی خود را مستهلک کند تا به صلح، آرامش و شادی بی پایان دست یابد. هشت راه سعادت بودایی عبارتند از: پندار درست، نیت درست، گفتار درست، کردار درست، زندگی درست، کوشش درست، اندیشمندی درست، و تمرکز درست. به نظر می‌رسد نظریه اخلاقی بودایی بیش از آنکه وظیفه‌گرا باشد نتیجه‌گرا است، اما نتیجه‌اش با نتایج مورد نظر نتیجه‌گرایان اخلاق غربی متفاوت است زیرا:

الف) نتایج اعمال اخلاقی در بودیسم با ملاک‌هایی سودگرایی غربی قضاوت نمی‌شود؛ ب) برخلاف نتیجه لذت‌گرایانه غربی، بودیسم اعمالی را ترویج می‌کند که پیوند انسان را با لذات جسمانی از بین ببرد و رنجش را کاهش دهد. (see ibid: 69-72) لارنس هینمان در تحلیل رابطه اخلاق با گفتمان‌های دینی جهانشمول می‌نویسد:

- دیدگاه توحیدی اسلام میان همه تکثرات از قبیل دین، اخلاق، حقوق و سیاست هماهنگی برقرار می‌کند؛

- بودیسم از تکثرات و تعلق به آنها می‌گریزد و بر اخلاق دلسوزی و غمخواری متمرکز می‌شود؛

- ناواجو تضاد میان تکثرات را اصل می‌داند.

هینمان با مقایسه این سه نظریه جهانی می‌نویسد در بودیسم غمخواری دیگران و پاکسازی روح مطرح است. در ناواجو میان دین و اخلاق مرزی وجود ندارد. در اسلام اخلاق، کاملاً به دین وابسته است و خدای یگانه اسلام یعنی «الله» از بندگانش می‌خواهد «خیر» را گسترش دهند. (ibid)

هینمان همچنین می‌نویسد اسلام اخلاق و دین را از یکدیگر تفکیک نمی‌کند زیرا:

الف) اسلام بیش از اعتقادات با رفتارها مرتبط است؛ یعنی برخلاف مسیحیان که وابسته به اصول اعتقادات هستند، مسلمانان به قانون و عملکرد وابسته‌اند، زیرا اسلام به معنای تسلیم افعال انسان در مقابل اراده خداوند است.

ب) اسلام فقط رفتار فردی را پوشش نمی‌دهد بلکه رفتار جمعی را در حوزه‌های مختلف حیات روزانه شامل می‌شود و فقط جای کمی برای اخلاق سکولار باقی می‌گذارد.

با این وصف مقایسه تاریخ گذشته مسلمانان و مسیحیان نشان می‌دهد مسیحیان، قرن‌ها دین و سیاست را به یکدیگر آمیختند و اقتدار الهی را به حیات دنیوی پیوند زدند؛ اما

مسلمانان جز در مقاطعی استثنایی، همواره حوزه سلاطین یا رهبران دنیوی را از حوزه روحانیون و علمای دینی جدا می‌کردند. (ibid:62)

۵. نقد محتوای اثر

نقد همدلانه ایجاب می‌کند که نه فقط نکات منفی، بلکه نکات مثبت کتاب نیز تبیین شود بنابراین:

۵-۱. وجوه مثبت

لارنس ام. هینمان با توجه به تخصص اش در تکررهای اخلاقی جهان در عصر ارتباطات، کتاب *فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی*، را تدوین کرده و تلاش نموده تا با وجود رویکرد تکثر گرایانه اش، به دام نسبی‌گرایی نیفتد. از همین رو بر سرشت مشترک انسان‌ها و حق طبیعی ایشان، تأکید می‌کند. وی به منظور جلوگیری از نزاع‌های اخلاقی فرهنگ‌های مختلف جهانی، اصل فهم متقابل، مدارا، ایستادگی در مقابل شر، و جایز الخطا بودن فاعل اخلاقی را از لوازم تعامل رویکردهای متکثر اخلاقی با یکدیگر در عصر ارتباطات معرفی می‌کند (ibid:50-51) و ادیان را اعم از ادیان بشری، اسطوره‌ای و ابراهیمی (که در نظریه فرامین الهی مشترک هستند) متکفل اصلی ارزش‌های اخلاقی می‌داند. هینمان در جستجوی ادیانی که پاسخگوی جهانی شدن آموزش‌ها، اطلاعات و ارتباطات در عصر حاضر باشند، فقط سه دین را معرفی می‌کند که:

یکی) ناواجو؛ که حاوی مناجات‌های بومی سرخپوستان آمریکای شمالی است؛
دومی) بودیسم؛ که تعالیمی روانشناسانه و مبتنی بر اصل «کارما» عرضه می‌کند، به شریعت خاصی مقید نیست و می‌تواند با تعالیم ادیان مختلف هماهنگ شود و از همین حیث آیینی جهانی شناخته می‌شود؛

سومی) دین ابراهیمی اسلام؛ که به علت ریشه اعتقادی توحیدی اش همه تکثرات را پوشش می‌دهد و آنها را ناشی از مبدأ واحد الهی، و رجوع کننده به معاد واحد الهی معرفی می‌کند (see ibid:57-87)

هینمان سعی می‌کند در این کتاب ادیان مختلف مسلمان، مسیحی و هندو را با یکدیگر به گفتگویی تعاملی بنشانند تا از جنبه‌های مشترکشان، به گونه‌ای هم‌افزایانه از یکدیگر بیاموزند و تکثرات را محملی برای رشد و ارتقاء اخلاقی در تقویت خیر،

عدالت، و مسئولیت پذیری در سطحی جهانی قرار دهند، و با شرور اخلاقی مقابله کنند.

علاوه بر نظریه های جهانی اخلاق معاصر مانند وظیفه گروی اخلاقی، عدالت توزیعی، عدالت جزایی، و عدالت جهانی و جایگاه آنها در تکثرگرایی اخلاقی (seeibid: 157-234) از مفاهیم جدید اخلاقی مانند اخلاق مراقبت زنانه (که موجب حمایت متقابل افراد و جوامع از یکدیگر، و مانع رویارویی مخرب فرهنگ های مختلف می شود) در این کتاب سخن گفته شده، (seeibid:281-297) و سرانجام اخلاق تنوع نژادی، قومی، و تکثرات هویتی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. تحلیل هینمان از دین جهانی اسلام به عنوان آیینی هماهنگ با تکثرگرایی اخلاقی در عصر جهانی سازی آموزش تحلیلی علمی و غیر جانبدارانه به نظر می رسد که به برخی وجوه آن در زیر اشاره می شود:

۵-۱-۱. شریعت: حقوق اسلامی (Shari'ah: The Islamic Law)

هینمان می نویسد شرط لازم یک نظریه خدا محورانه جهانی، راهکارهای عملی آن نظریه براساس خواست و اراده خداوند است. در این راستا گستره حقوقی اسلام همه حوزه های کلی و جزئی رفتار انسان را پوشش می دهد و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان را با واژه های مباح، واجب، حلال، مستحب، و حرام ارزیابی می کند. احکام شرعی اسلام عبارتند از:

اول) عبادات فردی مسلمانان در رابطه با خداوند مانند نماز و روزه. دوم) احکام مربوط به روابط اجتماعی - اخلاقی چون قواعد کیفری، تعاملات اقتصادی و احکام خانواده که تقریباً همه حوزه اخلاق غربی را پوشش می دهند.

۵-۱-۲. مدنیت اسلامی و حقوق خانواده (Muslim Civil and family Law)

هینمان می نویسد در کشورهای غربی مسیحیت نقشی در تصمیم گیری های سیاسی ندارد و فقط گروه های مذهبی می توانند به برخی قوانین ضد مسیحی مانند روسپی گری و همجنس خواهی اعتراض کنند، اما اسلام درباره کلیه احکام شهروندی تعالیمی عملی دارد. (Hinman,2013:65) هینمان به خوبی از نقش مسلمانان در دنیای کنونی آگاه است؛ همانگونه که دیمووا در کتاب *تکثرگرایی فرهنگی و نزاع های اخلاقی* می نویسد اسلام به عنوان یک دین سازمند، هویت اجتماعی یکپارچه ای را برای مسلمانان را ایجاد کرده

است که امکان مقابله با این انسجام وجود ندارد (see Dimova & strik (eds),2010:125-128)

هینمان عقیده دارد معمولاً پژوهش‌های غربی در مورد پستی شأن زنان در اسلام، غیرعلمی و جانبدارانه بوده است زیرا اسلام جایگاهی والا برای زنان قائل است. این دین جهانی ۱۴۰۰ سال پیش در سرزمینی بانظام قبیله‌ای عرضه شد و شأنی والا به زنان بخشید. برای مثال در عربستان آن روز، یک مرد هر تعداد از زنان را که می‌خواست تصاحب می‌کرد و زنان حق مخالفت نداشتند. اما در فقه اسلامی خطبه عقد ابتدا با تمایل زن به ازدواج مشروعیت می‌یابد و خواسته زن برخاسته مرد تقدم دارد. هم‌چنین قبل از اسلام زنان حق گرفتن «صداق» یا مهریه را نداشتند اما با ظهور اسلام این احکام به نفع زنان تغییر کرد. با ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی، زنان از ارث برخوردار شدند، درحالی‌که زنان غربی تا قرن نوزدهم میلادی از حق ارث محروم بودند. (Hinman,2013:66)

۵-۱-۳. فضیلت (احسان)

هینمان با اشاره به اصل رفتاری «احسان» در اسلام که مترادف با فضیلت اخلاق ارسطویی است، از عجین بودن عملکردهای مسلمانان با «خیر اخلاقی» حکایت می‌کند که دین و اخلاق را بر هم منطبق می‌نماید چنانکه پیامبر اسلام می‌گوید: «احسان این است که تو هر کاری را به‌خوبی انجام دهی». (Hinman,2013:66)

۵-۱-۴. تعدد تفاسیر قرآن

هینمان می‌نویسد در اسلام برخلاف مسیحیت، سلسله مراتب صوری مانند اسقف، پاپ و...، اقتدار تفسیری روحانیت را تعیین نمی‌کند و برخلاف سنت کلیساهای مسیحی، اسلام فقط یک تفسیر رسمی و انحصارگرایانه از متن مقدس ندارد بلکه می‌توان تفسیرهای متنوعی از قرآن ارائه داد. (ibid) بنابراین تفسیر قرآن به تناسب شرایط زمان و مکان روزآمد می‌شود و همین امر، جهانی بودن اسلام را در همه ابعاد از جمله، بعد اخلاقی تسهیل می‌کند.

۵-۱-۵. جهاد اکبر یعنی جهاد با نفس

هینمان می‌نویسد جهاد اسلامی به معنای کوشش دائمی علیه نیروهای شرّ درونی و

بیرونی است و جهاد اکبر (به معنای مبارزه با شرارت های نفسانی) اهمیت بیشتری نسبت به جهاد اصغر با دشمنان بیرونی دارد. در سال های اخیر برخی جنبش های انقلابی، جهاد اصغر را راهی برای تحقق عدالت اجتماعی معرفی کرده اند. در عین حال شرایط جهاد اصغر و محدوده های قتال در اسلام کاملاً روشن است؛ برای مثال، کشتن غیررزمندگان مانند زنان و کودکان، زندانی کردن و استفاده از سلاح های شیمیایی و بیولوژیک از نظر اسلام حرام است.

۵-۱-۶. مدارا

در کتاب *فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی* آمده دین اسلام دربردارنده روحیه مدارا نسبت به ادیان و فرهنگ های دیگر است چنانکه در قرون میانه، اسلام دوست و حامی سایر ادیان و فرهنگ ها بود. در آن دوران محققان مسلمان آثار فلسفی و علمی یونان باستان را در زمینه های ریاضی، نجوم، هیدرولیک، اپتیک و پزشکی حفظ و (با تأثیرپذیری از فرهنگ و ادبیات مسلمانان) به غربی ها منتقل کردند. برای مثال «الگوریتیم» Algebra ریاضی از «العبر» عربی مشتق شده است و علم پزشکی غربی ها متأثر از کتاب قانون ابن سینا بوده است. ابن رشد مسلمان نیز که از مفسران ارسطو بود بر توماس آکوینسی و بسیاری از متکلمان مسیحی قرون میانه تأثیر گذارد. در آن روزگاران، تمدن اسلامی پناهگاه مطمئنی برای یهودیان و مسیحیان بود. «ماریا رُزا منوکال» در کتاب خود (Maria Rosa Menocal, Ornament of the World) نوشت در اسپانیای قرون وسطا مسلمانان، یهودیان، و مسیحیان بدون ترک هویت دینی و فرهنگی شان، در کمال مدارا و احترام با یکدیگر زندگی می کردند. رهبران مسلمان، مدارا و آزاداندیشی اسلامی را به جهانیان نشان دادند درحالی که برخی رهبران مسیحی، در برابر ادیان و فرهنگ های دیگر بردبار نبودند و جنگ های صلیبی را جنگ با «کفار» اعلام کرده بودند. پاپ اوربان دوم در سال ۱۰۹۵ از مسیحیان خواست مسلمانان را به عنوان نژادی پست و منفور که جن ها را می پرستند، نابود کنند. (see ibid:67-69)

۵-۲. وجوه منفی

چنانکه در بالا اشاره شد هیمنان اسلام را دینی توحیدی معرفی می کند که قادر است تکثرات اخلاقی جهان کنونی را پوشش دهد اما گفتمانی صرفاً شریعت محور از اسلام

ارائه می‌کند که بر خلاف مسیحیت بر اعتقادات عقلانی مبتنی نیست. وی می‌نویسد در اسلام همه چیز از عملکرد شرعی آغاز می‌شود (Hinman:62) درحالی که بر خلاف ادعای هیمنان رفتارهای عبادی و قوانین شرعی اسلام، مبتنی بر پذیرش تحقیقی اصول عقلی - اعتقادی اسلام است تا جایی که بدون اعتقادات عقلانی، اعمال شخص مورد قبول «الله» قرار نمی‌گیرد. چنانکه علی علیه السلام می‌فرماید «آل محمد (ص) در دین تعقل می‌کردند، تعقلی توأم با فراگیری منجر به عملکرد؛ نه صرفاً روایت کردن؛ زیرا راویان، زیاد و عمل کنندگان از روی آگاهی اندک هستند (نهج البلاغه، خطبه ۲۳۹، ص ۳۵۷-۳۵۸) و نیز امام جعفر صادق (ع) به هشام بن حکم فرمود «خدا بر مردم دو حجت دارد حجت ظاهر و حجت باطن؛ حجت ظاهری، رسولان انبیا و امامان هستند و حجت باطنی، عقل‌های مردم است پس کسی که عقلش نابود شد دین و دنیایش فاسد می‌شود. ای هشام حق برای فرمانبرداری خدا به پا داشته شده و راه نجاتی جز به واسطه فرمانبرداری نیست اما فرمانبرداری نتیجه علم است، علم با آموزش به دست می‌آید و آموزش به عقل وابسته است. (کلینی، (بی تا): ۱۸/۱-۱۹) به بیانی دیگر پذیرش توحید که اولین اصل اعتقادی اسلام است مبتنی بر ادله برهانی است و ادله نقلی جایی در پذیرش این اصل ندارد و حتی آیات قرآنی مرتبط با اصل توحید کاملاً برهانی هستند. بنابراین هر مسلمانی ابتدا باید به گونه‌ای استدلالی - منطقی درباره اصول اعتقادات اسلام پژوهش کند و در صورت پذیرش، به توحید و نبوت محمد (ص) ایمان بیاورد، شهادت دهد و سپس به انجام مناسک شرعی بپردازد. هیمنان اما اسلام را به دینی رفتارگرا تقلیل داده است، درحالی که رفتارگرایی مسلمانان، فرع بر عقاید آنان به توحید، نبوت، معاد (و نیز عدل و امامت شیعی) است که بر استدلال عقلی و منطقی مبتنی هستند.

بنابر دومین اصل اعتقادی اسلام یعنی نبوت، مسلمانان به همه پیامبران الهی ایمان دارند و حضرت محمد (ص) را وارث و تصدیق‌کننده سایر پیامبران ابراهیمی می‌دانند که همین امر می‌تواند علت جهانی بودن دین اسلام باشد زیرا این دین جامع همه پیام‌های آسمانی است.

هیمنان می‌نویسد مسلمان واقعی تسلیم اراده خداوند است و طبق نظریه اخلاقی اوامر الهی، بندگی خداوند منطبق بر «خیر» اخلاقی است اما فقط افعالی که خداوند به آنها امر کرده، «نیک» هستند تا جایی که در پاسخ «اخلاقاً چه باید کرد» گفته می‌شود «آنچه که اراده خداوند است» زیرا اراده خداوند کاملاً بر خیر اخلاقی منطبق می‌باشد. از این

رو اسلام اراده خداوند را اساس شریعت یعنی قانون دین معرفی کرده و قوانین شهروندی مسلمانان، بر همین مبنا معین شده‌اند. (Hinman:62) هینمان از این مقدمات نتیجه می‌گیرد که اسلام اهل سنت برای عقل ارزش کمی قائل است زیرا این قرآن و روایات هستند که خوب و بد اخلاقی را تعریف می‌کنند. اما در مقابل این دیدگاه طرفدار، دو گفتمان کم طرفدار نیز وجود دارد که عبارت است از:

۱) گفتمان عرفانی صوفیه

۲) گفتمان عقل‌گرایی متأثر از فلسفه ارسطویی؛ معتقدان به این گفتمان معتزلی معتقدند خداوند قادر مطلق نیست، بلکه مقید به قیودی مانند «خیر» و «حق» است؛ بنابراین فقط در راه‌هایی عمل می‌کند که خیر و حق هستند. عقل‌گرایان اسلامی که از فلسفه ارسطویی تأثیر پذیرفته‌اند عقل را مفسر قرآن می‌دانند.

هینمان همچنین می‌نویسد امروزه در جوامع اسلامی، پیروان عقل‌گرایی و فلسفه یونانی، غیر مسلمان نامیده می‌شوند. بنابراین در اسلام کنونی هیچ مبنای عقلانی برای قضاوت اراده خداوند درباره شکنجه کردن یا کشتن انسان‌ها وجود ندارد، زیرا مسلمانان معتقدند همه اوامر الهی «خیر» هستند و عقل ضعیف انسان قادر نیست و خوب یا ممنوعیت امور را درک کند. در عین حال، هیچ‌یک از اموری که بشر آنها را غیر اخلاقی می‌داند مخالف اصل رحمت و مهربانی الله نیست زیرا اسم «رحمان» در فرهنگ اسلامی مترادف اسم «الله» معرفی شده است و به همین دلیل خدای اسلام به مؤمنان دستور مراقبت و مهربانی نسبت به بیوه‌ها و یتیمان می‌دهد. (ibid:63)

ملاحظه می‌شود رویکردی را که هینمان درباره حسن و قبح اخلاقی مطرح کرده بر کلام اشاعره مبتنی است و جای شگفتی است که به اخلاق عقل‌گرایانه شیعه امامیه (که پس از اهل سنت، بیشترین جمعیت مسلمانان را به خود اختصاص داده‌اند) هیچ اشاره‌ای نکرده است. شایسته بود وی شأن مبنایی عقل را در کلام عدالت محور امامیه مورد بررسی قرار می‌داد و و از اصل مبنایی عدل در شیعه امامیه سخن به میان می‌آورد (اصلی که بر خیر عقلانی مبتنی است) تا اهمیت اساسی ملاک عقل انسان در کلام امامیه تبیین شود؛ و عدالت که از زیربنایی ترین مباحث فلسفی اخلاق به عنوان اصل اعتقادی شیعه امامیه بحث و بررسی شود. «سید مرتضی» از متکلمان معروف امامیه درباره عقلانی بودن اصل اعتقادی عدل می‌نویسد: عقل، حسن و قبح اخلاقی را مستقل از شرع درک می‌کند. بنابراین، خدا انسان‌ها را به «عدالت» فرمان داده، چون عدالت «عقلاً» حسن است؛ و از «ظلم» نهی کرده، چون ظلم «عقلاً» قبیح است.

«محمدتقی حکیم» نیز در کتاب اصول عامه للفقہ المقارن از ابتدای اخلاق و کلام امامیه بر عقل سخن گفته است (رسائل المرتضی: ۱۷۷/۳؛ اصول العامه للفقہ المقارن: ۲۸۴ به نقل از مغنیه، ۲۰۰۵: ۱۵۱-۱۵۳)

شیخ محمد جواد مغنیه در کتاب الشیعه فی المیزان می نویسد اشاعره می گویند حسن و قبح امور از شرع اخذ می شود پس هر چه شرع امر کند حَسَن، و هر چه نهی کرد قبیح است یعنی اگر شرع نبود حسن و قبحی نیز وجود نداشت اما امامیه معتقدند حسن و قبح، دو امر عقلی است نه شرعی؛ یعنی شرع به آنچه عقلاً نیک است امر می کند و از چیزی که عقلاً قبیح است نهی می نماید. (اللمع، الأشعرى الارقم: ۷۰؛ الفرق بین الفرق بغدادی: ۳۳۷؛ موقف الاسلام من المعرفه: ۳۷؛ مقالات الاسلامیین: ۱/ ۳۴۶؛ نهج الحق: ۷۲۰؛ کنز الفوائد: ۱۰۶ به نقل از مغنیه، ۲۰۰۵: ۵۵۹) و براساس همین دیدگاه اعتقادی است که علمای امامیه قاعده ملازمه میان عقل و شرع یعنی قاعده «کَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» و «کَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ» را مبنای استنباط فقهی قرار داده‌اند. (رک. صانع پور، ۱۳۹۳: ۷۳-۱۰۸)

۶. نتیجه گیری

در این مقاله، کتاب فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی مورد تبیین، تحلیل، و نقادی قرار گرفت. در ابتدا اجمالاً اخلاق اوامر الهی، خویشتن گرایی، اخلاق وظیفه، و فلسفه اخلاق حقوق در نظریه های معاصر توضیح داده شد. همچنین اخلاق منش ارسطویی و اخلاق تنوع: جنسیت، نژاد، قومیت، و چند فرهنگ گرایی تبیین شد. سپس موضوع مهم فلسفه اخلاق یعنی عدالت در نظریه های مختلف از نظریه های افلاطونی تا جان راولز مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و رابطه عدالت با مسائل سیاسی معاصر مانند جنگ های عدالت خواهانه و استثمار اقتصادی و نیز تبعیض مثبت در نظریه ماریون یونگ بررسی شد. سپس به رویکرد محوری کتاب یعنی تنوع و تکثر اخلاقی در عصر ارتباطات پرداخته شد و رابطه ادیان مختلف الهی و غیرالهی با مقوله تکثر اخلاقی مورد تحلیل قرار گرفت. در نقادی محتوایی کتاب، وجوه مثبت رویکرد هیمنان به اسلام (به عنوان یک دین الهی با پیامی جهانی) ذکر شد و دیدگاه همدلانه هیمنان در مورد عمل گرایی، مدنیت، حقوق خانواده، و اصالت احسان در آموزه های اسلامی تبیین گردید. نویسنده کتاب، همچنین تفاسیر متعدد و گوناگون علما از قرآن را نمونه ای از تکثرگرایی اسلام معرفی کرده است و از نقش مدارایی و

تحلیل و نقد کتاب *Ethics: A Pluralistic Approach to Moral theory* ۱۵۵

تساهل و تسامح اسلامی سخن گفته است که مخالف جزم انگاری و اقتدارگرایی دینی است و می تواند در عصر ارتباطات دوره طلایی آل بویه را تکرار کند تا عامل صلح و امنیت جهانی باشد.

پی نوشت

۱ «فلسفه اخلاق: یک رویکرد تکثرگرا به نظریه اخلاقی»

2. *Ethics: A Pluralistic Approach to Moral Theory*, Lawrence M. Hinman, 5th Edition, International Edition, Clark Baxter, 2013.

3. *Contemporary Moral Issues: Diversity and Consensus* 4th Edition, Amazon, 2012.

4. *Ethics Updates*, <http://ethics.sandiego.edu>

۵. *حوزه های عدالت در دفاع از کثرت گرایی و برابری*، نوشته مایکل والز، ترجمه صالح نجفی، ۱۳۹۴، نشر صالح.

۶. *چندصدایی اخلاقی در دنیای مجازی*، نوشته مریم صانع پور، ۱۳۹۵، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کتاب نامه

امام علی علیه السلام، (۱۹۶۷م/۱۳۸۷ق)، *نهج البلاغه*، ضبط نصه و ابتکر فهارسه العلمیه صبحی الصالح، الطبعة الاولى، بیروت: بی نا.

صانع پور، مریم (۱۳۹۳)، *شیعه شناسان غربی و اصول اعتقادات شیعه دوازده امامی*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کلینی رازی، (بی تا)، *اصول کافی*، ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: انتشارات علمیه اسلامیه. مغنیه، محمد جواد، (۲۰۰۵م / ۱۴۲۶ق)، *الشیعه فی المیزان*، وثق اصوله و حقه و علق علیه الاستاذ سامی العزیزی، قم: موسسه دارالکتاب الاسلامی.

Appiah, Kwame Anthony, (2006), *Cosmopolitanism Ethics in A World of Strangers*, copyright by Kwame Anthony Appiah, First Edition in USA.

Dimova & Strik (eds), (2010) *Multiculturalism and Moral conflict*, Routledge, London and New York.

Gilligan, (1982), *Women's Moral Voices in A Different Voice: Psychological Theory and Women's Development*. Cambridge & Harvard University Press.

Hinman, Lawrence M. (2013) *Ethics: A Pluralistic Approach to Moral theory*, International Edition, Clark Baxter.